



۲۰۱۹/۰۲/۰۲



لینا روزبه حیدری

بگذار بفروشند



بگذار بفروشند همه خاک وطن را
این پهنه غم دیده، بی نام و کفن را
بگذار که ز بابا و سلیمان و ز واخان
بیگانه بردآب و گل و باغ و چمن را
بگذار هریرود و کنر و دره پنجشیر
هلمند و کرم، باج دهند زاغ و زغن را
بگذار که شهد و شکر نعمت این خوان
حراج کنند، مفت برند مشک ختن را
بگذار بریزند و بتازند سیه مردان
تاراج کنند، حرمت هر سرو و سمن را
بگذار چراغ در این کلبه ربایند
با تیر زنند منطق هر اهل سخن را
بگذار در این خطه یی رنجیده و مغموم
بر دار کشند، سر بزنند کودک و زن را
اینجا که همه غرق تضاد خود و خویشند
بگذار، به نوبت بفروشند، وطن را

